



بهترین قصه‌های تاریخی تهران جایزه می‌گیرد

صفحه «روایت تهران» که پیش روی شماست، به انعکاس روایت‌های خواندنی تاریخ تهران قدیم و سرگذشت شخصیت‌ها و نامداران، خیابان‌ها و گذر‌ها، واقعه‌های تأثیرگذار و تاریخ شفاهی طهران تعلق دارد؛ با عکس‌های بازمانده از خاطرات دیرپوز و قصه‌ها و ماجراهای پس پشت این عکس‌ها، شما هم می‌توانید در انتشار این صفحه که متعلق به خود شما و شهر شماست ما را همراهی کنید. «همشهری» بهترین عکس‌ها و قصه‌هایی را که برای ما ارسال می‌کنید پانام خودتان منتشر و به شما «همشهریان همراه» هدیه‌ای تقدیم می‌کند.
نشانی و شماره تماس ما: mahaleh@hamshahri.org و ۴۴۴ - ۲۳۰۳۳۴۵۵

پرنده‌ای که نخستین بار از ایتالیا وارد تهران شد

ماجرای تقدیم سالی یک بوقلمون به شاه



تو یا روزبهانی روزنامه‌نگار

نخستین بار بوقلمون‌ها در زمان شاه عباس صفوی توسط تاجران ارمنی که به ایتالیا رفته بودند به ایران آورده و در تهران پرورش داده شدند. از آن به بعد هم بیشتر ارمنه مسئول تکثیر بوقلمون‌ها در تهران بودند. بوقلمون پرنده گاوشتی محبوب اروپایی‌ها بود که در فصل بهار به دنیا می‌آمد و هفت ماه تغذیه می‌شد و تا شب عید شکر گزاری در حدود ۵ کیلوگرم گوشت داشت که بسیار به صرفه بود. برای همین به عنوان خوراک شب عید در بین ارمنه‌های تهران مورد استفاده قرار می‌گرفت. ماجرا ورود بوقلمون به ایران از این قرار بود که وقتی عده‌ای از ارمنه‌ها از اروپا به ایران برگشتند بوقلمون‌ها را به شاه عباس هدیه دادند. شاه خیلی خوشش آمد و دستور داد تخم بوقلمون را در خانه‌های ارمنه تقسیم کنند؛ زیرا آنها بهتر از جوجه‌ها مراقبت می‌کردند. در عوض باید سالی یک عدد بوقلمون به شاه هدیه می‌دادند. البته برخی از افراد وقتی متوجه شدند قبول پرورش بوقلمون مانند پرورش خروس (که پیش تر به پرورش و تکثیر آن پرداخته بودند) برای آنها مالیات جدیدی خواهد داشت در پرورش آنها کمی سهل‌انگاری کردند و همین باعث شد تعداد زیادی از آنها تلف شوند. زان بانیست تاورنیه، جهانگرد و بازرگان فرانسوی که در عصر صفوی بارها به ایران سفر کرده بود، در خاطراتش نوشته است: «شاه (شاه عباس صفوی) ارمنه را به تجارت تشویق می‌کرد. به آنها ابریشم مساعد می‌داد و پس از فروش، قیمت آن را می‌پرداختند و این سبب شد که ارمنه جانی بگیرند و بیضاعتی پیدا کنند.» ارمنه به واسطه ذکاوت و در دستکاری خود طوری پیش افتادند که هیچ رشته تجاری نبود که در آن وارد نشده باشند. یکی از این زمینه‌ها تجارت بوقلمون بود، اما کم‌کم به دلیل سود خوب این کار برای اهالی تهران هم این کار را یاد گرفته و مشغول پرورش بوقلمون شدند. این تصویر مربوط به سال ۱۳۳۸ در یکی از خیابان‌های تهران است که گله بوقلمون‌ها در حال عبور از یکی از خیابان‌های شهر است.

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید / خیابان ۱۷ شهریور - دهه ۵۰

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.

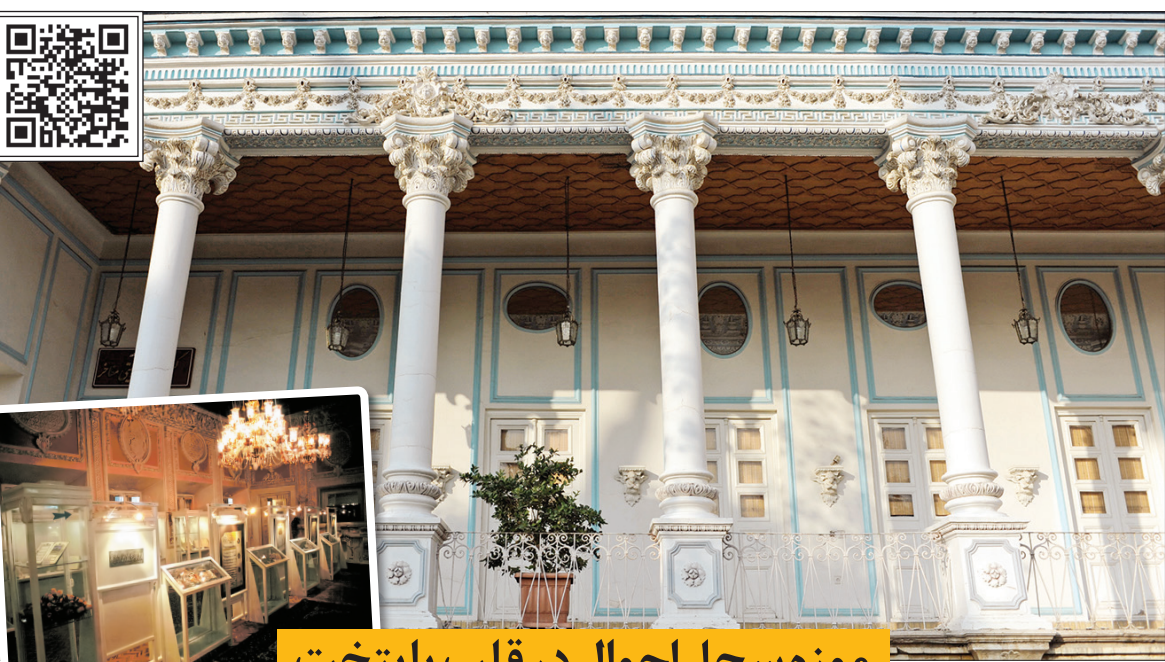


این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.

چای و قلیان رایگان برای طرفداران محمدعلی کلی

مردم اهمیت بسیار داشت. در آن روزها قهوه‌خانه‌ای در تهران ابتکار به خرج داد و اعلام کرد مشتریان می‌توانند مسابقه این بوکسور مسلمان با رقیب مشهورش را از تلویزیون این قهوه‌خانه تماشا کنند. تالینجی کار، شاید نکته عجیب و غریبی را برای شما نگفته باشیم، اما جالب است بدانید، چنان که در تصویر می‌بینید، صاحب قهوه‌خانه مذکور اضافه کرده که اگر محمدعلی برنده شود چای و قلیان، مهمان قهوه‌خانه خواهید بود. می‌توان حدس زد که در روز مسابقه قهوه‌خانه شلوغ بوده و علاقه‌مندان به تماشای هنر این بوکسور آمریکایی با هم قرار گذاشتند ۵ صبح در قهوه‌خانه باشند و کله‌پاچه‌ای بخورند و بعد با طیب خاطر و شکم پر به تماشای مسابقه بوکس بنشینند و دلخوش باشند به اینکه اگر محمدعلی، فریزر را «تاکاوت» کرد، چای و قلیان سفارش دهند و پولی هم نپردازند.

قهوه‌خانه از دیرباز یکی از باتوق‌های سنتی ایرانی‌ها بوده است. مردم در قهوه‌خانه دور هم جمع می‌شدند و حین خوردن چای و کشیدن قلیان، در مورد موضوعات مختلف روز با هم به بحث و گفت‌وگو می‌نشستند. علاوه بر بحث و تبادل نظر، مردم در قهوه‌خانه‌ها از سرگرمی‌هایی چون نقالی، شاهنامه‌خوانی و تماشای هنرهای نمایشی لذت می‌بردند. با ورود تلویزیون به ایران این باتوق اجتماعی و فرهنگی محبوب‌تر از گذشته شد. در آن روزگار که تلویزیون هنوز همه‌گیر نشده بود مردم برای تماشای برنامه‌های جذاب و پرطرفدار به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند. یکی از این برنامه‌ها مسابقه «محمدعلی کلی»، بوکسور مسلمان آمریکایی، با «جو فریزر»، رقیب سرسختش، بود. کلی به دلیل مسلمان بودن و منش پهلوانی‌اش محبوب ایرانی‌ها بود و از این رو این مسابقات برای



موزه سجل احوال در قلب پایتخت

موروثی بین افراد حکومتی و فروتمند آن دوران دست به‌دست شد تا به عصمت‌الملوک دولتشاهی، همسر رضاشاه رسید و در نهایت پس از چند دست‌چرخیدن در سال ۱۳۱۳ به نام اداره احصائیه و سجل احوال ثبت شد. این بنا را یک معمار ایرانی به سبک اروپایی ساخته و در سال ۱۳۲۸ در زمه آثار ملی ثبت شده است. «ساختن موزه یک بنای طبقه سنتی و زیباست. در این عمارت انواع و اقسام تزئینات زیبا از جمله طاق‌های آجری و گچبری‌ها را می‌توان مشاهده کرد. طبقه بالایی ساختمان محلی است که به عنوان موزه از آن یاد می‌شود. در این طبقه ۲ تالار وجود دارد که اسناد هویتی ثبتی ایران در آن نگهداری می‌شوند. در تالار اول این موزه، شناسنامه بزرگانی چون امام‌خمینی (ره)، علامه طباطبایی، آیت‌الله بروجردی، امام موسی صدر، شهید نواب صفوی، شهید مرتضی آوینی و... در معرض نمایش قرار داده شده است.

اگر کمی به سمت غرب میدان حسن آباد پیش برویم، روبه‌روی خیابان باستین، به موزه ثبت احوال می‌رسیم. بنای فعلی موزه ثبت احوال کشور در اواخر دوره سلطنت قاجاریان ساخته شده و در ابتدا متعلق به مجلل‌الدوله، شاهزاده قاجار بوده که ۵۰ هزار سند داشته است. منظور از نصرالله حدادی، تهران‌شناس می‌گوید: «قانون سنجل احوال در دوره احمدشاه در سال ۱۲۹۶ اجباری شده بود اما به دلیل فقدان مرکزیت و اقتدار دولت احمدشاه، دریافت سجل احوال و داشتن اوراق هویتی آنطور که باید مورد توجه مردم قرار نگرفت و بعدها در دوره رضاشاه این قانون رسماً اجرایی شد. پس از آن نخستین مرکز که به وجود شناسنامه اختصاص پیدا کرد در ضلع شمال غربی میدان حسن آباد با عنوان اداره سجل احوال ساخته شد. ساختمان اداره موزه ثبت احوال معروف، به صورت



ساکنان نفیس‌ترین خانه تهران

کرد. سید ابوالقاسم از اواخر حکومت محمدشاه قاجار تا مدت‌ها بعد از مشروطه منصب امامت جمعه و جماعت تهران را بر عهده داشت. این خانه که جزو بناهای اعیانی تهران قدیم به‌شمار می‌رود، ۸۷۹ مترمربع زیربنا دارد. خانه امام‌جمعه شامل دو بخش اندرونی و بیرونی است. بخش اندرونی آن به افراد خانه و خدمه اختصاص داشت که این روزها هیچ اثری از آن نیست و تخریب و به مدرسه تبدیل شده است. بخش بیرونی که محلی برای پذیرایی از مهمانان امام‌جمعه بود، همچنان به یادگار مانده است. این عمارت باشکوه در ۲ طبقه ساخته شده است. طبقه همکف که حدوداً یک پله پایین‌تر از سطح حیاط قرار گرفته شامل حوضخانه و اتاق‌هایی در اطراف آن است. در طبقه دوم این بنا هم تالاری زمستان‌نشین با ۲ گوشواره شامل اتاق‌های خصوصی اهل خانه طراحی شده است.

یکی از خانه‌های قدیمی مشهور پایتخت که از قدمت آن بیش از یک قرن می‌گذرد، خانه «امام‌جمعه» در محله عدولاجان است. خانه‌ای که با گذر زمان و تغییر سبک زندگی و ساخت‌وسازهای مدرن هنوز هم یک سروگردن از بقیه خانه‌های پایتخت بالاتر است و عنوان نفیس‌ترین خانه تهران را دارد. این خانه یادگار معماری دوران قاجار در قرن سیزدهم است که ابتدا میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین‌شاه با اهل و عیال در آن ساکن شد. کمی بعد امام‌جمعه وقت تهران حاج سید ابوالقاسم امام‌جمعه، پسر ارشد سیدزین‌الدین امام‌جمعه و نوه دختری «امیرالممالک» (نظام‌الدوله) در آن ساکن شد. او بعد از فوت پدر عهده‌دار امامت جمعه و تولیت مسجد امام بود و بعد با دختر مظفرالدین‌شاه، شوه‌الدوله از دواج



نام این میدان از روی پشت‌بام انتخاب شد!

همین زمان و درست در مرکز زمین‌های بایر این محدوده، میدانی ساخته شد که نمادش آن روزها یک آنیمای کوچک بود. ساکنان نخست این محله، نام «مهر» را برای آن فلکه انتخاب کردند؛ نامی که کمتر کسی از اهالی این روزهای محله حافظه با آن آشنایی دارد چرا که در دهه ۶۰ و توسعه ساخت و سازها، اسمی روی میدان خاطر انگیز محله‌شان قرار گرفت که حتی امروز هم با وجود تغییر شکل ظاهر میدان، تغییر نکرده است. در حقیقت پس از افزایش جمعیت محله و ساخت خانه‌های بلندمرتبه در اطراف میدان بود که نام میدان از مهر به لوزی تغییر کرد. چون همسایه‌ها میدان را از روی پشت‌بام به شکل لوزی می‌دیدند؛ نامی که با وجود اصلاح هندسی میدان در سال‌های بعد و تغییر شکل آن به بیضی، هنوز هم از زبان اهالی شنیده می‌شود.

ساکنان شرق تهران حتماً نام میدان لوزی را در محدوده محله‌های حافظیه و نیروی هوایی شنیده‌اند؛ میدانی که در ابتدا «مهر» نام داشت اما وقتی خانه‌های مرتفع اطراف ساخته شدند، اهالی نام لوزی را برای میدانی که اکنون بیضی شکل است انتخاب کردند. ماجرای این نامگذاری جالب را در ادامه بخوانید. سال‌های آغازین دهه ۴۰ سپهبد گیلان‌شاه، فرمانده نیروی هوایی ارتش پس از توافق با ونوق‌الدوله که مالک بخش اعظمی از اراضی شرق تهران بود، زمین‌های حوالی خیابان ۳۰ متری نیروی هوایی فعلی را به صورت اقساطی در اختیار کارکنان ارتش قرار داد. محدوده خانه‌سازی از تنشی‌ها اما تا میدان لوزی فعلی ادامه پیدا کرد و زمین‌های شرق خیابان ۳۰ متری به مردم عادی فروخته شد. در

این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.



این روایت تهران را با اسکن این کیوآر کد ببینید.

زهرابلندی روزنامه‌نگار

اگر کمی به سمت غرب میدان حسن آباد پیش برویم، روبه‌روی خیابان باستین، به موزه ثبت احوال می‌رسیم. بنای فعلی موزه ثبت احوال کشور در اواخر دوره سلطنت قاجاریان ساخته شده و در ابتدا متعلق به مجلل‌الدوله، شاهزاده قاجار بوده که ۵۰ هزار سند داشته است. منظور از نصرالله حدادی، تهران‌شناس می‌گوید: «قانون سنجل احوال در دوره احمدشاه در سال ۱۲۹۶ اجباری شده بود اما به دلیل فقدان مرکزیت و اقتدار دولت احمدشاه، دریافت سجل احوال و داشتن اوراق هویتی آنطور که باید مورد توجه مردم قرار نگرفت و بعدها در دوره رضاشاه این قانون رسماً اجرایی شد. پس از آن نخستین مرکز که به وجود شناسنامه اختصاص پیدا کرد در ضلع شمال غربی میدان حسن آباد با عنوان اداره سجل احوال ساخته شد. ساختمان اداره موزه ثبت احوال معروف، به صورت